

شگرد عجیب کلاهبرداری مرد زندانی



شناسه خبر: ۱۴۱۴۴۲ چهارشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳ - ۸:۱۶

مرد زندانی که برای رهایی از مجازات قصاص باید دیه میلیاردی پرداخت می‌کرد، با تشکیل باندی در زندان، سناریوی کلاهبرداری با ارسال پیامک اشتباهی بانکی را طراحی کرد.

به گزارش موج خبر، مدتی قبل مرد جوانی به پلیس مراجعه کرد و از یک کلاهبرداری خبر داد و گفت: اوایل ماه منتظر پیامک دریافت حقوق بودم که پیامکی برایم ارسال شد مبنی بر اینکه از بانک... مبلغ ۴ میلیون تومان به حسابم واریز شده است. با دیدن پیامک تعجب کردم و با خودم گفتم چرا حقوقم اینقدر کم شده است؟ در این فکر بودم که چرا پول به صورت کامل واریز نشده است که شخصی ناشناس با تلفن همراهم تماس گرفت و در حالی که خیلی مؤدبانه صحبت می‌کرد، مدعی شد ۴ میلیون تومان را می‌خواسته برای دوستش واریز کند اما اشتباهی برای من واریز کرده است.

وی مدعی بود که شماره مرا از بانک گرفته است و از من خواست پولی را که به اشتباه به حسابم واریز شده، برگردانم. من هم بدون اینکه اصلاً به شماره پیامک واریزی وجه نگاه کنم و توجهی به آن داشته باشم، شماره کارت او را گرفتم و چهار میلیون تومان را واریز کردم. در واقع با دستان خودم، پولم را در اختیار کلاهبرداران قرار دادم. اما تصورش را هم نمی‌کردم این شگردی برای کلاهبرداری است. وقتی پول را به حسابش ریختم، متوجه شدم اصلاً پولی به حسابم نیامده بوده و من در واقع از موجودی حساب خودم پول را پرداخت کرده بودم. وقتی به شماره‌های که پیامک برایم از آن ارسال

شده بود، دقت کردم، تازه آن موقع بود که متوجه شدم در دام یک کلاهبرداری حرفه‌ای افتاده‌ام چرا که شماره‌ای که پیامک از آن ارسال شده بود، یک شماره خط اعتباری بود، نه شماره پیامک بانک.

سیم‌کارت‌هایی با هویت معتادان

با شکایت مرد جوان، کارآگاهان پلیس پایتخت وارد عمل شده و با بررسی هویت مالک تلفنی که با آن پیامک ارسال شده بود، مشخص شد که شماره متعلق به مرد معتادی است که سیم‌کارت و کارت بانکی‌اش را به مبلغ ۷۰۰ هزار تومان فروخته است. از سویی کارآگاهان پلیس به سراغ مالک شماره‌ای رفتند که با شاکی تماس گرفته بود و ادعای واریز اشتباهی کرده بود. طبق بررسی‌های صورت گرفته و شناسایی مالک دومین سیم‌کارت، همان‌طور که تیم تحقیق احتمال می‌دادند، این سیم‌کارت نیز متعلق به مرد کارتن‌خوابی بود که مدتی قبل آن را به مبلغ ۳۰۰ هزار تومان فروخته بود.

تماس‌هایی از زندان

در ادامه تحقیقات کارآگاهان با شکایت‌های مشابه مواجه شدند. کلاهبرداران از خطوطی که شماره آنها رند بود و صفر زیادی داشت، پیامک واریز وجه ارسال می‌کردند و ساعاتی بعد با شاکی تماس گرفته و مدعی بودند که وجه را به اشتباه واریز کرده‌اند و از او می‌خواستند پول را به شماره کارتی که می‌دادند، برگردانند. اما شماره کارت‌ها و سیم‌کارت‌ها هم متعلق به افراد کارتن‌خواب و معتاد بود.

بررسی‌ها نشان می‌داد که کلاهبرداری‌ها توسط اعضای باندی حرفه‌ای صورت می‌گیرد. در ادامه تحقیقات پلیسی، تیم تحقیق دریافت که تماس‌ها از زندان صورت می‌گیرد.

در ادامه تحقیقات هویت اعضای این باند شناسایی شد و عوامل این کلاهبرداری که چندین محکوم به قصاص و حبس‌های بلندمدت در زندان و چندین خلافکار در خارج از زندان بودند، مشخص و دستگیر شدند. در ادامه بررسی‌ها، سردهسته باند به گردهم آوردن اعضای باند داخل و بیرون از زندان و کلاهبرداری‌های سریالی به این شیوه و شگرد اعتراف کرد. تحقیقات در این رابطه و شناسایی سایر شاکی‌های احتمالی اعضای این باند ادامه دارد.

کلاهبرداری به خاطر دیه

سن و سالی ندارد اما به خاطر جنایتی که مرتکب شده، محکوم به قصاص بود اما در نهایت موفق شد از اولیای دم رضایت بگیرد آن هم به شرط پرداخت دیه میلیاردی. دیه‌ای که میثم برای پرداخت آن تنها راه را در کلاهبرداری از پشت میله‌های زندان دید.

چه شد که دست به قتل زدی؟

می‌توانم به جرأت بگویم بالای ۷۰ درصد از قتل‌هایی که جوان‌هایی در سن و سال من مرتکب می‌شوند یا به خاطر چشم در چشم شدن است یا قدرتنمایی. من هم به خاطر یک اشتباه نه تنها زندگی خودم و خانواده‌ام را بلکه زندگی مقتول و خانواده‌اش را هم نابود کردم. شب حادثه به همراه دوستانم سر خیابان ایستاده بودیم که دو پسر جوان از کنار ما رد شدند و من به یکی از آنها گیر دادم که چرا زمانی که از کنارم عبور کردی، مرا چپ‌چپ نگاه کردی و زل زدی به چشم‌هایم. همین موضوع پیش‌پا افتاده و دم‌دستی باعث شد که دست به یقه بشویم و در آن میان من چاقویی که داشتم را بیرون آوردم و او را زدم.

بعد چه کار کردی؟

فرار، اما بالاخره مخفیگاهم شناسایی شد و گیر افتادم. اولیای دم برایم قصاص خواستند و دادگاه هم رأی بر قصاص داد. آنقدر پدر و مادرم و دوست و آشنا به آنها التماس کردند و به خانه‌شان رفتند و آمدند تا اولیای دم حاضر به بخشش شدند اما شرط سنگینی گذاشتند.

شرطشان برای بخشش چه بود؟

دیه میلیاردی، من در یک خانواده کارگر بزرگ شده‌ام و خودم هم در صافکاری کار می‌کردم. ما مستأجر هستیم و اگر هم خانه داشتیم و آن را می‌فروختیم، نمی‌توانستیم دیه‌ای را که آنها می‌خواستند، فراهم کنیم. همین شد که به فکر کلاهبرداری افتادم. موضوع سر مرگ و زندگی بود و من باید این دیه را جور می‌کردم. به غیر از من، چند هم‌سلولی و

همبندی‌ام بودند که آنها نیز به شرط پرداخت دیه می‌توانستند از مرگ نجات پیدا کنند. یک شب در سلول تصمیم گرفتیم که این پول را فراهم کنیم.

چطور این شگرد را انتخاب کردید؟

ما داخل زندان بودیم و خلاف دیگری نمی‌توانستیم انجام دهیم. از چند نفر از دوستانمان خواستیم برایمان از معتادان و افراد کارتن‌خواب سیم‌کارت و کارت بانکی خریداری کنند. بسته به مدارکی که به ما می‌دادند، این قیمت متغیر بود، از ۳۰۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان. از سیم‌کارت‌ها پیامی به شماره‌های رندمی می‌فرستادیم که با اعداد یک و دو و سه شروع می‌شدند. کسانی که این سیم‌کارت‌ها را دارند، قاعداً باید وضع مالی خوبی داشته باشند چون مبلغ این سیم‌کارت‌ها بالاست. پیامک‌ها حاوی اسم بانک، مبلغ، تاریخ، ساعت و یک شماره حساب ساختگی بود. بی‌شک کسی شماره حساب خودش را چک نمی‌کند. شماره‌های هم که با آن این پیام ارسال می‌شد، حاوی اعداد صفر زیادی بود و به همین دلیل شاکی تصور می‌کرد که شماره بانک است. یک ساعت بعد هم تماس می‌گرفتم و مدعی می‌شدم که اشتباهی پول واریز شده و باقی آن را هم که می‌دانید.

ممکن بود با کسی تماس بگیرید و پول واریز نکنند؟

بله، ولی درصدشان خیلی کم بود. باورتان نمی‌شود حتی کسانی در دام ما گرفتار شده‌اند که از نظر تحصیلی مدارک بالایی دارند اما طمع ۴ میلیون تومان باعث می‌شد که آنها به شماره‌ها توجهی نکنند.

منبع: روزنامه ایران

انتهای پیام/